

انتخابات

به انتخابات مجلس فرمایشی رژیم سرکوب و اعدام نزدیک می شویم. ظاهراً خامنه ای در پی یک حکومتی کاملاً یک دست و یکپارچه است. گرچه هیچگاه مجلس اسلامی جایگاهی در تصمیم گیر های کلیدی کشور نداشته با این همه اصول گرایان خود را برای یک رویارویی همه جانبه آماده می کنند. خامنه ای ظاهراً متوجه شده است که اصلاح طلبان و میانه رو ها قادر به ایستادگی در مقابل جنبش های روزافزون مردم نیستند و دیگر توان فریب مردم را از دست داده اند. لذا برآن است که سیرک انتخاباتی را به یک کارزار انتصابات علنی تبدیل نماید و گویا غره از پیروزی سرکوب مردم در آبان نود و هشت می خواهد بیش از پیش رو بازی کند و خواهان یک دیکتاتوری علنی است. با تحریم های اقتصادی و سیاسی آمریکا رژیم اسلامی ایران تحت فشار های زیادی قرار گرفته است. از طرفی اصلاح طلبان که جناحی ظاهراً پرو غرب هستند با تداوم این تحریم ها کم کم جایگاه پیشین خود را در حکومت از دست می دهند و از طرف دیگر جناح اصول گرا که بیشتر تحت نفوذ سرمایه های چین و روسیه هستند، نتوانسته اند که از ارباب شان پشتیبانی در خوری برای مقابله با تحریم ها دریافت دارند. مسلماً چسبیدن وحوش اسلامی به جنگهای نیابتی در منطقه نه از سر دلسوزی برای مردم منطقه و یا حتی ایدولوژیک است که ظاهر خود را با جنگ سنی و شیعی نشان داده است. بلکه خالی کردن جبهه در منطقه و برگشتن به درون مرزهای ایران سبب می شود که رژیم اسلامی خود را در محاصره و تاج و تخت خود را در خطر می بیند. لذا عملیات برون مرزی رژیم هم برای اصلاح طلبان و هم برای اصول گرایان مفید فایده است با کمی اختلافات تاکتیکی. البته هر دو این گروه، خامنه ای را به عنوان نخ تسبیح پذیرفته اند و درست بدین خاطر است که جناح اصلاح طلب خواهان بی طرفی خامنه ای در زد و خورد های انتخاباتی است. ولی اصول گرایان خزانده به سردمداری خامنه ای دارند مشغول نیمچه کودتایی هستند تا دیگر بحثی از جناح موافق و مخالف نباشد. درست مانند زمان خمینی و یا زمان شاه که حزب رستاخیز را علم کرد. این ترس از مردم و آگاه شدنشان در تمام تار و پود رژیم نفوذ کرده و لذا هرچه بیشتر دندان نشان می دهد. شعار تحریم انتخابات را تنها کسانی می توانند سر بدهند که زمانی به امید تکه نانی که شاید جلوی آنان انداخته شود در انتخابات قبلی شرکت کردند و نتیجه نگرفتند. در سراسر تاریخ جمهوری اسلامی هیچگاه یک انتخابات آزاد و دموکراتیک برگزار نگردیده است. شعار تحریم انتخابات تنها می تواند شعار روشنفکران دلقکی باشد که هنوز چشم امید به اصلاحات درون رژیم دارند. بحث بر سر شرکت و یا شرکت نکردن در انتخابات نیست بحث بر سر سرنگونی و در هم کوبیدن این نظام آدم کش اسلامی است. شعار تحریم انتخابات باید به شعار سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل گردد. در این بین اقشار زحمت کش و بخصوص طبقه کارگر که بیشترین آسیب ها را از این دیوان آدم خوار دیده اند به علت عدم یک سازمان دهی کمونیستی به خاطر نبود یک سازمان

سراسری که بتواند آنان را متشکل کند. در دایره جنبش های خود بخودی و اقتصادی چرخ می خورند. گاهی رادیکال شده و گاهی به حداقل ها تن می دهند. نبود یک جنبش با صلابت سراسری زحمتکشان سبب شده است که کارگران و زحمت کشان نتوانند حتی کوچکترین امتیازی برای رفاه خویش از این وحوش بگیرند. حتی نتوانند که رهبران خود را حفظ نمایند و از زندان رفتن و شکنجه شدن آنان جلوگیری نمایند. طبقه کارگر ایران با این همه مبارزات و کشته و زخمی و زندانی دادن ها هنوز به یک طبقه ای برای خود درنیامده است. همیشه غرق در مبارزات اقتصادی بوده و در مورد مسائل سیاسی به دنبال افسار و طبقات مختلف جامعه افتاده است. ولی تمام این ها بدیهی و نمی توانسته طور دیگری پیش رود، چرا که عدم وجود یک حزب کمونیست راستین در جامعه، حزب کمونیستی که نه ریشه در اتوپیای مثنی روشنفکر بلکه ریشه در طبقه کارگر داشته باشد سبب شده که طبقه کارگر به آگاهی طبقاتی دست پیدا نکند. طبقه کارگر با دست کم گرفتن منافع طبقاتی خویش و متوهم نسبت به منافع طبقاتی دیگر طبقات، به خود باور ندارد که می تواند دنیایی را بدست آورد. می تواند پیش قراول و رهبر مبارزات مردم برای سرنگونی باشد. می تواند دولت شورا ها را تشکیل دهد و کنترل تولید را در دست گیرد. می تواند دیکتاتوری پرولتاریا را برقرار کند. می تواند دولت سوسیالیستی خویش را بپا دارد و همراه با آزاد سازی طبقات دیگر جامعه خود را نیز آزاد نماید. و این آگاهی و این اعتماد به نفس به دست نخواهد آمد مگر در سایه یک حزب کمونیست. حزبی متشکل از کارگران آگاه و پیشرو و روشنفکران انقلابی. نتیجه این انتخابات هرچه می خواهد باشد ولی چیزی که مسلم است نتیجه آن بر ضد کل مردم است. چگونگی استقبال مردم از انتخابات می تواند معیاری باشد برای طبقه حاکم که چگونه مردم را سرکوب کند. شرکت هرچه بیشتر مردم سرکوب های آینده را شدید تر و بی محابا تر خواهد کرد و عدم شرکت مردم سبب می شود که هیئت حاکمه دست به عصا تر راه برود.

بابک فرزام ۱۸,۰۲,۲۰۲۰